

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

درس یازدهم: بشارت عیسی (ع) به آمدن موعود عهد آسمانی

در جلسات گذشته گفتیم بنی اسرائیل به عهد معهود خیانت کرد و فرصت خود را برای حکمفرمایی بر جهانیان از دست داد؛ اما از آنجا که چنین جایگاهی بسیار وسوسه انگیز بود، دست به کار شد تا نگذارد کسی غیر از یهود، صاحب چنین جایگاه و اعتباری شود. برای تحقق این امر باید پیامبران و نوشته‌های آنها که حاوی مفاد عهد و اقرار بر خیانت بنی اسرائیل بود از میان برداشته می‌شدند. لذا پیامبران را کشتند و کتب را تحریف کردند. با این وجود موارد متعددی در کتاب مقدس به جای ماند که تصریح داشت پیامبری از بنی اسماعیل - و نه از بنی اسرائیل - خواهد آمد که همگان باید تحت فرمان او در آیند.

و اینک ادامه‌ی ماجرا:

بزرگان یهود همچنان به تحریف دین خدا و محکم کردن سلطه و نفوذشان بر مردم ادامه می‌دادند؛ تا اینکه پیامبری بین‌شان مبعوث شد که همه‌ی آنچه از زر و زور در طول سال‌ها انباشته بودند را به خطر می‌انداخت. پیامبری به نام «عیسی» با ماموریت و بشارتی خاص. ماموریت به اصلاح دین تحریف شده‌ی یهود^۱ و بشارت به آمدن موعود عهد، «احمد»:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ... وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»^۲

^۱ به نقل از کتاب مقدس، عیسی (ع) خطاب به یهودیان بنی اسرائیل چنین می‌گوید: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیاء را منسوخ کنم. من آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم. برآستی به شما می‌گویم که از میان احکام تورات، هر آنچه که باید عملی شود، یقیناً همه یک به یک عملی خواهند شد. پس اگر کسی از کوچکترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچکتر خواهد بود." کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، انجیل متی، باب ۵، بند ۱۷ تا ۱۹.

^۲ قرآن کریم، سوره صف، آیه ۶.

و [به یاد آور] هنگامی را که عیسی بن مریم گفت ای بنی اسرائیل؛ من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم ... و بشارت می‌دهم به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید [همو که] نامش احمد است.

مسیح آمده بود تا همچون پیامبران پیشین عهدی را که آدم و عالم به خاطرش خلق شده بودند^۲ بار دیگر به مردم یادآوری کند.

آمده بود تا بگوید «احمد» - همان که خلقت آسمان‌ها و زمین به یمن وجود او و خاندان اوست^۳ - به زودی پای به این دنیا خواهد گذاشت؛ همان پیامبر عربی، همان نبیّ امی، همان فارقلیط امین که هیچ پیامبری به پیامبری مبعوث نشد مگر به اقرار به جایگاه او و تعهد به بشارت دادن به او.^۴

مسیح آمده بود تا بار دیگر بنی اسرائیل را جمع کند و به آنها بگوید خداوند اراده کرده برترین مخلوقاتش - محمد (احمد)، علی (ایلیا)، فاطمه (فطیم)، حسن (شَبْر)، حسین (شَبْر) و نه فرزند از نسل حسین - را فرمانروایان

^۲ «و هُم خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ» یعنی: [ای آدم] آنها (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) از تو و از همه‌ی مخلوقاتم برترند. [بدان و آگاه باش] اگر اینان نبودند، تو را خلق نمی‌کردم و همچنین بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی‌آفریدم: بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳.

^۳ بنگرید به پاورقی پیشین.

^۴ به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام در مناظره با جاثلیق، حضرت عیسی به آمدن پیامبری عربی پس از خود بشارت داده بوده و این موضوع در انجیلی که در زمان مناظره‌ی امام رضا با جاثلیق در دسترس بوده، صریحاً دیده می‌شود. به گونه‌ای که آن جاثلیق هم بشارت به آمدن پیامبر عربی و اهل بیتش و وصی بزرگوارش را در انجیل تایید می‌کند: "قَالَ الرَّصَاعُ هَلْ تَطَقُّ الْإِنْجِيلُ أَنْ يُوحَا قَالَ إِنَّمَا الْمَسِيحُ أَخْبَرَنِي بِدِينِ مُحَمَّدٍ الْعَرَبِيِّ وَ بَشَّرَنِي بِهِ أَنَّهُ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ فَبَشَّرْتُ بِهِ الْحَوَارِيَّينَ فَأَمَّنُوا بِهِ قَالَ الْجَاثِلِيُّ قَدْ ذَكَرَ ذَلِكَ يُوحَا عَنْ الْمَسِيحِ وَ بَشَّرَ بِنُبُوَّةِ رَجُلٍ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ وَصِيهِ وَ لَمْ يَلْحَظْ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَسْمَعْ [يُسْمِعُ] لَنَا الْقَوْمَ فَتَعْرِفَهُمْ": عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۷.

^۵ امام رضا علیه السلام در مناظره‌ای با جاثلیق مسیحی از او می‌پرسد آیا در انجیل، عیسی (ع) به محمد ط. علیه و آله و سلم بشارت نداده؟ همان پیامبری که نبیّ امی خوانده شده؟ ... و جاثلیق هم اعتراف می‌کند صفات چنین پیامبری در انجیل آمده و حضرت عیسی درباره‌ی ایشان بشارت داده: "قَالَ الرَّصَاعُ فَخَذَ عَلَيَّ السِّفْرَ الثَّلَاثِ الَّذِي فِيهِ ذَكَرَ مُحَمَّدٌ وَ بَشَارَةُ عِيسَى بِمُحَمَّدٍ قَالَ الْجَاثِلِيُّ هَاتِ فَأَقْبَلَ الرَّصَاعُ يَتْلُو ذَلِكَ السِّفْرَ الثَّلَاثِ مِنَ الْإِنْجِيلِ حَتَّى بَلَغَ ذَكَرَ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ يَا جَاثِلِيُّ مَنْ هَذَا النَّبِيُّ الْمَوْصُوفُ قَالَ الْجَاثِلِيُّ صِفَهُ قَالَ لَا أَصِفُهُ إِلَّا بِمَا وَصَفَهُ اللَّهُ هُوَ صَاحِبُ النَّاقَةِ وَ الْعَصَا وَ الْكِسَاءِ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ بِأَمْرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ بِنَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجَلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (سوره اعراف، آیه ۱۵۷) يَهْدِي إِلَى الطَّرِيقِ الْأَفْصَدِ وَ الْمُنْهَاجِ الْأَعْدَلِ وَ الصِّرَاطِ الْأَقْوَمِ سَأَلْتُكَ يَا جَاثِلِيُّ بِحَقِّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَ كَلِمَتِهِ هَلْ تَجِدُ هَذِهِ الصِّفَةَ فِي الْإِنْجِيلِ لِهَذَا النَّبِيِّ فَأَطْرَقَ الْجَاثِلِيُّ مَلِيّاً وَ عَلِمَ أَنَّهُ إِنْ جَحَدَ الْإِنْجِيلَ كَفَرَ فَقَالَ نَعَمْ هَذِهِ الصِّفَةُ فِي الْإِنْجِيلِ وَ قَدْ ذَكَرَ عِيسَى هَذَا النَّبِيَّ": الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۴۴ و ۳۴۵.

^۶ «فارقلیط» نام موعود بشارت داده شده در انجیل است که به معنای بسیار ستوده شده یا احمد است. بنگرید به مقاله‌ی «محمد (ص) در تورات و انجیل» در بخش آثار و مقالات پایگاه علمی فرهنگی محمد (ص).

^۷ در مکاشفه‌ی یوحنا که بخشی از کتاب مقدس مسیحیان است، از سواری با نام «امین» که «شاه شاهان و سرور سروران» است، یاد شده که با اقتدار می‌آید و با شیطان و لشکریانش می‌جنگد و آنها را نابود می‌کند: کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۹، بند ۱۱ تا ۲۱.

^۸ رسول خاتم می‌فرماید: "مَا تَبَأَ نَبِيّاً وَ لَا أُرْسِلَ رَسُولاً إِلَّا أَمَرَهُ بِالْإِقْرَارِ بِي وَ أَنْ يُبَشِّرَ أُمَّتَهُ بِمَبْعَثِي وَ رِسَالَتِي" هیچ نبی‌ای به نبوت و هیچ پیامبری به رسالت مبعوث نشد مگر اینکه به او امر شد تا به [حقانیت و جایگاه] من اقرار کند و امتش را به بعثت و رسالت من بشارت دهد: الهدایة الکبری، ص ۳۸۰.

و جانشینان خود بر روی زمین قرار دهد. هر کس جایگاه آنها را نپذیرد و با آنها مخالفت کند، با خدا مخالفت کرده و هرکس ایشان را دوست بدارد و یاری‌شان کند، خدا را دوست داشته و یاری نموده.

بزرگان یهود وقتی سخنان عیسی را شنیدند، با آنکه بر طبق پیشگویی‌ها و بشارات پیامبران پیشین، به حقانیت «مسیح» باور داشتند، رسالت او را نپذیرفتند. آنها برای حفظ قدرت و اعتبار خودشان هم که شده باید تلاش می‌کردند جلوی مسیحی شدن بنی اسرائیل را بگیرند. از این رو به اقدامات خشونت آمیزی همچون زندان، شکنجه و حتی اعدام یهودیانی که مسیحی می‌شدند، دست زدند.^{۱۱} آنها کار را تا جایی پیش بردند که حکم مصلوب کردن عیسی مسیح را نیز از فرماندار رومی آن زمان گرفتند.^{۱۲} البته به اعتقاد مسلمانان حضرت عیسی به صلیب کشیده نشد و شخص دیگری را به جای ایشان روی صلیب بردند؛^{۱۳} اما مسیحیان بر این باورند که عیسی مسیح بر روی صلیب جان داد.^{۱۴} به هر حال، پس از آن حادثه که سربازان رومی به دسیسه‌ی یهودیان قصد جان عیسی مسیح را کردند، مردم دیگر از نعمت حضور این پیامبر بزرگ محروم گشتند.

عیسی دیگر بین مردم نبود اما «انجیل» او باقی بود. انجیلی که هم نامش (معنای لغوی انجیل، مژده است) و هم محتوای داخلش از بشارتی عظیم حکایت می‌کرد؛ بشارت به آمدن «احمد»!^{۱۵}

پس باید انجیل عیسی هم به سرنوشت تورات موسی دچار می‌شد تا نشانی از عهد و موعودش باقی نماند. همین اتفاق هم افتاد. انجیل هم مانند تورات ناپدید شد!

^{۱۰} به اقرار بزرگ یهودیان در مجلس مناظره با امام رضا علیه السلام، اسامی پنج تن در تورات به این شکل آمده بود: احمد، ایلیا، فطیم، شَبْر، شَبیر که معادل عربی آنها عبارتند از: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام؛ الثاقب فی المناقب، ص ۱۹۲.

^{۱۱} گوشه‌ای از این اقدامات در کتاب مقدس، بخش اعمال رسولان، توضیح داده شده است. به عنوان نمونه بنگرید به: کتاب مقدس، عهد جدید، اعمال رسولان، باب ۸، بند ۱ و ۳.

^{۱۲} "چون صبح شد، کاهنان اعظم و سران قوم، با یکدیگر مشورت کردند تا راهی بیابند که عیسی را بدست مقامات رومی بسپارند تا کشته شود. پس عیسی را دست بسته به پیلاتوس، فرماندار رومی، تحویل دادند." کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، انجیل متی، باب ۲۷، بند ۱ و ۲.

^{۱۳} «و قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَّبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» یعنی: و این سخن‌شان که [گفتند:] «ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم». حال آنکه نه او را کشته‌اند و نه به دار آویخته‌اند. بلکه امر بر آنان مشتبه شده است و کسانی که درباره وی اختلاف کردند نسبت به آن در شک هستند، هیچ علمی به آن ندارند جز دنبال گمان رفتن، و به یقین او را نکشته‌اند: قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۵۷.

^{۱۴} "آنگاه عیسی فریاد بلند دیگری برآورد و جان سپرد": کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، انجیل متی، باب ۲۷، بند ۵۰.

^{۱۵} علاقمندان به موضوع بشارات انجیل به آمدن رسول خاتم می‌توانند به مقاله‌ی «محمد (ص) در تورات و انجیل» در بخش آثار و مقالات پایگاه علمی فرهنگی محمد (ص) مراجعه فرمایند.

^{۱۶} بنگرید به درس نهم

^{۱۷} به فرمایش امام رضا علیه السلام انجیل اصلی که خود عیسی بن مریم برای مردم به ارمغان آورده بود، مفقود می‌شود و سپس علمای نصرانی دور هم جمع می‌شوند و تصمیم می‌گیرند خودشان از آنچه به خاطر دارند انجیل جدیدی بنویسند: "قَالَ الرَّصَّاعُ يَا جَائِلِيْقُ أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِنْجِيلِ الْأَوَّلِ جِئِنِ افْتَقَدْتُمُوهُ عِنْدَ مَنْ وَجَدْتُمُوهُ وَ مَنْ وَصَّعَ لَكُمْ هَذَا الْإِنْجِيلِ ... اعْلَمُ أَنَّهُ لَمَّا افْتَقَدَ الْإِنْجِيلَ الْأَوَّلُ اخْتَمَعَتِ النَّصَارَى إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَقَالُوا لَهُمْ قُتِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ع وَ افْتَقَدْنَا الْإِنْجِيلَ وَ أَنْتُمْ الْعُلَمَاءُ فَمَا عِنْدَكُمْ فَقَالَ لَهُمْ أَلَوْفَا وَ مَرْقَابُوسُ إِنَّ الْإِنْجِيلَ فِي صُدُورِنَا وَ نَحْنُ نُخْرِجُهُ إِلَيْكُمْ سِيفَرًا سِيفَرًا فِي كُلِّ أَحَدٍ فَلَا تَحْزَنُوا عَلَيْهِ وَ لَا تُخْلُوا الْكُنَائِسَ فَإِنَّا سَنَنْلُوهُ عَلَيْكُمْ فِي كُلِّ أَحَدٍ سِيفَرًا حَتَّى نَجْمَعَهُ كُلَّهُ فَفَعَدَ أَلَوْفَا وَ مَرْقَابُوسُ وَ يُوَحَّاتَا وَ مَتَّى فَوَضَعُوا لَكُمْ هَذَا الْإِنْجِيلَ بَعْدَ مَا افْتَقَدْتُمُ الْإِنْجِيلَ الْأَوَّلَ": امام رضا به جائلیق فرمود: «آیا به شما بگویم انجیلی را که گم کردید، در کجا

عده‌ای از شاگردان و پیروان حضرت عیسی تصمیم گرفتند آنچه از کلام عیسی مسیح به یاد دارند، بنویسند و به جای انجیل عیسی در اختیار مردم قرار دهند. حتی آنهایی که عیسی را از نزدیک ندیده بودند و فقط از این و آن حرفهایی از مسیح و آیینش شنیده بودند، قلم به دست گرفتند تا کتاب خدا را بازنویسی کنند. صدها انجیل نوشته شد که همه با هم متفاوت و حتی در تضاد بود. (سال‌ها بعد به تصمیم و سلیقه‌ی گروهی از کشیشان از میان همه‌ی انجیل، ۴ انجیل به عنوان کتاب رسمی مسیحیان پذیرفته شد که هم اکنون در کتاب مقدس مسیحیان وجود دارد و مابقی نامعتبر خوانده شد)

این اوضاع آشفته، فرصت مناسبی را در اختیار یهودیان قرار می‌داد تا هر آنچه از آموزه‌های عیسی باب میل‌شان نیست حذف یا تحریف کنند و به جای کلام خدای عیسی به خورد مردم بدهند. اما برای این کار، یهودیان باید ابتدا در میان مسیحیان نفوذ می‌کردند و مهره‌ای را بین ایشان قرار می‌دادند تا از طریق وی نقشه‌های خود را عملی سازند.

یکی از یهودیان بسیار متعصب و ضد مسیح برای این ماموریت انتخاب شد. این فرد که «پولس» خوانده می‌شد، با ترفندی فریب آمیز به عنوان عامل نفوذی وارد گروه مبلغان مسیحی شد. پولس در حالی^{۱۶} به تبلیغ و تعلیم آموزه‌های مسیح مشغول شد که نه در زمان حضور و حیات مسیح، او را دیده بود و نه نزد هیچ یک از حواریون عیسی تعلیم گرفته بود.

او توانست تحریفات زیادی وارد مسیحیت کند؛ از اینکه عیسی پسر خدا بوده (نه بنده‌ی خدا) تا اینکه پس از عیسی بکن نکن‌های شریعت منسوخ شده و نیازی به انجام اعمال شرعی نیست. یکی از تحریفات که پولس در مسیحیت ایجاد کرد عدم لزوم «ختنه شدن» فرد ایماندار بود! **تعمانطور** که از **درس هفتم** به یاد دارید، پس از آنکه خداوند به ابراهیم *علیه السلام* تاکید می‌کند از مردم درباره‌ی عهد معهود پیمان بگیرد، نشان پذیرش عهد را «ختنه شدن» مردان و پسران قرار می‌دهد و می‌فرماید:

"تمام مردان و پسران شما باید ختنه شوند تا بدین وسیله نشان دهند که عهد مرا پذیرفته اند ... همه باید ختنه شوند و این نشانی بر بدن شما خواهد بود از عهد جاودانی من. هر کس نخواهد ختنه شود، باید از قوم خود طرد شود، زیرا عهد مرا شکسته است."^{۲۱}

یافتید و چه کسانی برای شما این انجیل را نگاشتند؟ ... بدان هنگامی که انجیل از میان شما گم شد، نصاری سراغ علمای‌شان رفتند و گفتند عیسی بن مریم که به قتل رسیده، انجیل را هم که گم کرده‌ایم؛ شما که علمای ما هستید بگویند چه باید بکنیم؟ «لوقا» و «مرقابوس» گفتند انجیل در سینه‌ی ما محفوظ است و ما آن را سیفر به سیفر برایتان گرد خواهیم آورد، پس محزون نباشید و کلیساهای را خالی نکنید که ما همه‌ی انجیل را برای‌تان جمع خواهیم کرد. پس با «یوحنا» و «متی» دور هم جمع شدند و انجیل کنونی را برای شما تهیه کردند: عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۶۲.

^{۱۸} به عنوان نمونه بنگرید به: "اما پولس همه جا می رفت و ایمانداران به مسیح را شکنجه می داد. او وارد خانه‌های مردم می‌شد و مردان و زنان را به زور بیرون می کشید و به زندان می انداخت." کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، اعمال رسولان، باب ۸، بند ۳.

^{۱۹} پولس ادعا کرد مسیح را در عالم رویا دیده که او را به خاطر آزاری که نسبت به مسیحیان روا می‌دارد، سرزنش نموده؛ او هم از این اتفاق متنبه شده، به مسیح ایمان آورده و برای جبران گذشته می‌خواهد مسیحیت را تبلیغ کند. این ماجرا به تفصیل در کتاب مقدس، اعمال رسولان، باب ۹ بیان شده است.

^{۲۰} به عنوان نمونه به این صحبت‌های پولس در کتاب مقدس، ترجمه تفسیری توجه فرمایید: "برای ما که از مسیح حیات جاودانی یافته‌ایم، دیگر ختنه شدن یا نشدن اهمیتی ندارد." غلاطیان، باب ۵، بند ۶. ؛ "مواظب سگهای خطرناک باشید! منظورم آن شیطان صفتانی هستند که می‌گویند برای نجات یافتن باید ختنه شد!"؛ فیلیپیان، باب ۳، بند ۲.

^{۲۱} کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سفر پیدایش، باب ۱۷، بند ۱۰ تا ۱۴.

با برداشتن حکم ختنه از مسیحیت توسط پولس، رهبران یهود با یک تیر دو نشان زده بودند:

- اول اینکه یهودیان که «ختنه» را جزو ملزومات ایمان‌داری و نشان عهد الهی می‌دانستند با دیدن اینکه در مسیحیت این فریضه وجود ندارد، آن را دین الهی و اعتقادی صحیح نمی‌یافتند و از این رو رغبتی برای گرایش به مسیحیت پیدا نمی‌کردند.
- دوم اینکه با این اقدام، نشان عهد الهی نقض می‌شد و مسیحیان هم نمی‌توانستند افراد برگزیده‌ی خدا شوند و وعده‌ی الهی در ارتباط با ایشان محقق گردد.

این اقدام یهودیان، مسیحیان را از دور مسابقه‌ی عمل به عهد الهی خارج ساخت اما این بدان معنا نبود که یهود برنده‌ی این مسابقه باشد. چون همانطور که در **درس نهم** به تفصیل گفته شد، یهود بارها و بارها عهد خود را با خدا شکسته بود و مورد لعنت و مجازات خدا قرار داشت. در واقع بنی اسرائیل لاقلاً تا زمانی که توبه نمی‌کرد و مطیع امر الهی نمی‌گردید، نمی‌توانست وسیله‌ی تحقق وعده‌ی الهی به ابراهیم گردد و آنچه خدا وعده داده بود را نصیب خود سازد.

رقیب جدی یهودیان در به دست آوردن ریاست و سرپرستی مردم جهان (در واقع همان جایزه‌ای که خداوند عهد بسته بود به حافظان عهد بدهد) بنی اسماعیل بودند. یهود به خوبی آگاه بود که موعود تورات و انجیل پیامبری به نام «احمد» یا «محمد» از نسل اسماعیل است. همان کسی که خداوند درباره‌ی او و جانشینان پاکش از همه‌ی بنی آدم پیمان گرفته بود تا ایشان را به برتری و سرپرستی بپذیرند و با آنها از در دشمنی و ناسازگاری وارد نشوند.

اما برای یهود که همواره خود را نژاد برتر می‌دید، چنین ننگی قابل تحمل نبود که قومی غیر از بنی اسرائیل را قوم برگزیده و غالب بر اقوام دیگر ببینند. آن هم قومی که از نسل پسری کنیز زاده - یعنی اسماعیل - باشد. آنها حتی برای اینکه هرگونه امتیازی را از اسماعیل سلب کنند، دست به تحریف کتاب مقدس زده بودند و فرزندی را که قرار بود ابراهیم به قربانگاه ببرد، به جای اسماعیل، اسحاق معرفی نمودند. ^{۲۲} حال چگونه می‌توانستند منتظر بنشینند تا بنی اسماعیل به جای بنی اسرائیل قدرت را به دست بگیرد؟

پس باید باز هم دست به کار می‌شدند.

در **جلسه‌ی آینده** به ادامه‌ی ماجرا خواهیم پرداخت.

نکات مهم این جلسه

- عیسی بن مریم در میان یهودیان بنی اسرائیل مبعوث شد تا هم تورات حضرت موسی را که یهود تحریف کرده بود، احیاء نماید و هم به آمدن «احمد» یا همان موعود عهد بشارت بدهد.

^{۲۲} در کتاب مقدس چنین آمده: "مدتی گذشت و خدا خواست ابراهیم را امتحان کند. پس او را ندا داد: «ای ابراهیم! ... یگانه پسر تو یعنی اسحاق را که بسیار دوستش می‌داری برداشته، به سرزمین موريا برو و در آنجا وی را بر یکی از کوه‌هایی که به تو نشان خواهم داد بعنوان هدیه سوختنی، قربانی کن!»: کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، تورات، سیفر پیدایش، باب ۲۲، بند ۱ و ۲. در حالی که ابراهیم دو پسر داشت و با استناد به کتاب مقدس اسماعیل ۱۴ ساله بود که اسحاق به دنیا آمد (پیدایش، باب ۱۶، بند ۱۶ و باب ۲۱، بند ۵). پس اگر خدا گفته یگانه پسر تو را قربانی کن؛ حتماً این فرمان زمانی صادر شده که ابراهیم فقط اسماعیل را داشته و مراد خداوند نیز همو بوده.

- بزرگان یهود برای حفظ موقعیت خود، رسالت عیسی را نپذیرفتند و یهودیان را نیز با اعمال خشونت از ایمان به مسیح منع کردند. در نهایت هم حکم مصلوب کردن پیامبر خدا را از فرماندار رومی آن زمان گرفتند.
- کتاب آسمانی عیسی علیه السلام «انجیل» به معنای مژده بود؛ مژده به آمدن «احمد». از این رو پس از رفتن عیسی از میان زمینیان، یهود در صدد از بین بردن محتوای انجیل بر آمد تا نشانی از عهد و موعودش باقی نماند.
- انجیل اصلی ناپدید شد (!) و به جای آن صدها انجیل متفاوت توسط افرادی که بعضاً حتی عیسی مسیح را ندیده بودند نگاشته شد.
- بزرگان یهود از فرصت نبودن عیسی و مفقود شدن کتابش استفاده کردند و یک عامل نفوذی به نام «پولس» را به میان مسیحیان فرستادند تا تحریفات متعددی را به اسم آموزه‌های مسیح وارد مسیحیت کند و مفاد عهد را از بین ببرد.
- یکی از تحریفات پولس، برداشتن حکم «ختنه شدن» از مسیحیت بود. در حالی که خداوند به ابراهیم علیه السلام اعلام کرده بود نشان پایبندی به عهد الهی «ختنه شدن» مردان و پسران است.
- بدین ترتیب رهبران یهود با یک تیر دو نشان زده بودند:
 - o اول اینکه یهودیان که «ختنه» را جزو ملزومات ایمان‌داری و نشان عهد الهی می‌دانستند، دیگر مسیحیت را دینی بر حق نمی‌یافتند و رغبتی برای گرایش به مسیحیت پیدا نمی‌کردند.
 - o دوم اینکه با این ترفند، نشان عهد الهی در مسیحیت نقض می‌شد و مسیحیان نمی‌توانستند افراد برگزیده‌ی خدا شوند.